



به توپ بستن مجلس شورای ملی به فرمان محمدعلی شاه قاجار (1287ش)

محمّدعلی شاه قاجار، از همان آغاز کار، مصمم به برانداختن مشروطیت بود، اما بهانه‌ی rlm&ای در دست نداشت. اما در جریان سوء قصدی که به وی شد، بهانه لازم را به دست آورد و آن را به گردن آزادی rlm&خواهان انداخت، تا اینکه سرانجام پس از ماه rlm&ها کشمکش میان مجلس و دربار و عدم دسترسی به نتیجه مطلوب، در روز سه rlm&شنبه دوم تیرماه 1287 ش برابر با 23 جمادی اول 1326 ق، هنوز آفتاب طلوع نکرده بود که قشون محمدعلی شاه به سوی مجلس روان شدند و راه rlm&هایی را که به مجلس منتهی می rlm&شد، بستند. مجاهدان که در میدان بهارستان بودند در سنگرهای خود به حال آماده rlm&باش درآمدند. چون خبر به گوش حضرات آیات بهبهانی و طباطبایی، از رهبران روحانی مشروطه، رسید، با بی rlm&پروایی و دلیری از خانه بیرون آمدند و خود را به مجلس رسانیدند تا شاید از وقوع حادثه جلوگیری نمایند. ناگهان مجلس شورایی ملی که هنوز مدت زیادی از بدو تشکیل آن نمی rlm&گذشت به دستور محمد علی شاه مستبد و توسط کلنل لیاخوف، افسر روسی به توپ بسته شد. در پی این حمله، نعش خونین آزادی rlm&خواهان، صحن بهارستان را پُر کرد و صدای ناله و فریاد از هرسو به گوش می rlm&رسید. مجاهدان نیز مردانه، تفنگ در دست گرفته و از خود و مجلس دفاع می rlm&کردند. جنگ درحدود چهار ساعت به طول انجامید و سرانجام به نفع شاه پایان یافت. در این ماجرا، محمدعلی شاه که مورد حمایت دولت روس بود به اعدام و تبعید و زندانی کردن نمایندگان مجلس پرداخت. شاه دستور داد که آقا سیدعبدالله بهبهانی را به کرمانشاه تبعید کرده، آیت الله سیدمحمد طباطبایی را در شمیران خانه rlm&نشین نمایند. عده rlm&ای از آزادی rlm&خواهان را، زنجیر به گردن انداخته و کیشان کشان به باغشاه بردند. از میان این جمع، تنها ملک المتکلمین و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل از مشروطه rlm&طلبان مشهور و مخالف استبداد قاجاری را به حضور شاه آوردند. وی پس از این rlm&که مدتی به آن دو دشنام داد، دستور قتل هر دوی آنها را صادر کرد. در این واقعه بیش از سیصد تن از مجاهدان، آزادی rlm&خواهان و مشروطه rlm&طلبان کشته و پانصد تن دیگر زخمی و تعداد زیادی بازداشت شدند. هم rlm&چنین انجمن rlm&ها تعطیل، روزنامه rlm&ها توقیف و مشروطیت دو ساله ایران به پایان رسید. بدین ترتیب مجلس، منحل شد و دوره استبداد صغیر آغاز گشت.

(1306)

1306

(1324)() ;rlm&

روزنامه‌ی مجلس، توسط یکی از مشروطه خواهان به نام میرزا محمدصادق طباطبایی تأسیس شد. او فرزند یکی از رهبران صدر مشروطیت به نام آیت الله سید محمد طباطبایی بود. شایان ذکر است که در پی اعلام مشروطیت و آزادی مطبوعات، تعداد روزنامه‌های ایران رو به افزایش نهاد وده‌ها روزنامه در شهرهای مختلف ایران منتشر شد. اما نخستین روزنامه‌ی عهد مشروطه که بعد از گشایش مجلس شورای ملی در ایران به چاپ رسید، روزنامه‌ی مجلس بود که به درج اخبار و وقایع مجلس شورای ملی می‌پرداخت.

با تسلط یافتن وهابیون بر مدینه، قبور ائمه‏ی شیعه و بسیاری از بزرگان اسلام توسط این فرقه‏ی منحرف ویران گردید. تا آن زمان، بر روی قبور ائمه‏ی شیعه و سایر بزرگان اسلام که در مدینه مدفون بودند، گنبد و ضریح قرار داشت، اما از این زمان به بعد وهابیون باتخریب قبور و از بین بردن ضریح و گنبدی که بر روی تربت ائمه و بزرگان اسلام قرار داشت، مسلمانان را از فیض زیارت بارگاه آن بزرگواران محروم ساختند. از جمله قبوری که در جریان این واقعه ویران گردید، بارگاه و مقبره‏ی امام حسن مجتبی(ع)، امام سجاد(ع)، امام محمد باقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) بود. این حرکت وحشیانه‏ی وهابیون، جهان اسلام، به ویژه ایرانیان را شدیداً متأثر نمود و در امر سفر حجاج ایرانی هم اختلال ایجاد کرد. علاوه بر ویرانی قبور ائمه‏ی شیعه، قبر حضرت عبدالله و حضرت آمنه پدر و مادر حضرت رسول(ص)، مالک، پیشوای مالکی، عباس عموی پیامبر، اسماعیل از فرزندان امام جعفر صادق(ع) و... نیز به طور کامل ویران گردید. لازم به ذکر است که قوت گرفتن فرقه‏ی وهابی در عربستان، از ناگوارترین حوادث تاریخ اسلام در قرن چهاردهم هجری است.

عمادالدوله دیلمي در سال 338 ق جانیشینی خود و امارت فارس را به عضدالدوله تفویض نمود. عضدالدوله معروفترین امیر آل ریم بوده است و در طول سلطنت خویش در فتح بلاد و آبادی شهرها و ساختن کاخها و همت گماشت. در زمان

عضدالدوله اقتدار او از سواحل دریای عمان تا شام و در حدود مصر مسلم گردید. بند امیر در فارس از آثار اوست. همچنین نخستین بار در بغداد خطبه به نام او خواندند. عضدالدوله مذهب شیعه داشت و دربارش مجمع دانشمندان بود و کتابهای بسیاری به نام او نوشته‌اند. جنازه‌ی او را در جوار حرم مطهر علی‌بن ابی‌طالب(ع) به خاک سپردند.
"" (618)

پس از گسترش حمله‌ی مغول به ایران، سلطان جلال الدین خوارزمشاه به مقابله با آنان پرداخت و در چندین جنگ، آن‌ها را شکست داد. جلال الدین که قصد عزیمت به هند و تدارک نیروی جدید را داشت به طرف آن دیار حرکت کرد و درصدد تهیه‌ی کشتی برای عبور از این رودخانه‌ی خروشان برآمد. ناگهان لشکریان مغول در رسیدن و چون تنها یک کشتی در دست جلال الدین بود، آن را برای مادر و حرم خود اختصاص داد، ولی آن هم در تلاطم امواج درهم شکست. در این هنگام، زنان حرم از او خواستند برای این که به دست پادشاه مغول گرفتار نشوند، آنان را به قتل برساند و شاه هم دستور داد آن بیچارگان را به سند انداختند و غرق کردند. جلال الدین پس از مدتی نبرد، چون تاب مقاومت در خود ندید با اسب به رود عظیم سند زد و از آن جا گذشت و به هند رسید.